

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۵۱

مُجدنامه

— ۱۷ —

قاصد بگوی با پدر مصطفی قلی  
از نوک تیر و نیزه مردان سختکوش  
بیش از شمار دانه خرمن به کوچه هاست  
کس نیست زیر خرگه سلطان نیمروز  
هرکس، که از بلای عزوبت<sup>۱</sup> ز پا فتاد  
جز کیر سخت هرچه ز اسباب عالم است  
با مدعی ز دادن کون، هرکه منکر است  
بر خوان عیش وقت سحرگاه و شام و چاشت  
فُساق<sup>۲</sup> دهر جمله، به غیر من و شهاب  
کای بیخبر ز شور و شر مصطفی قلی  
گردیده چون زره سپر مصطفی قلی  
افتاده دام بر گذر مصطفی قلی  
کو نیم شب نکوفت، در مصطفی قلی  
شد دستگیر او، زکر مصطفی قلی  
زشت است جمله، در نظر مصطفی قلی  
سوگند می خورد، به سر مصطفی قلی  
جز کیر نیست، ماحضَر مصطفی قلی  
دارند دست، در کمر مصطفی قلی

<sup>۱</sup> - "عزوبت" (به ضمتین): کلمه عربی و در معنای "مجرد بودن" یا "بی زن و یا بی شوی بودن"

<sup>۲</sup> - "فساق" (به ضم اول و سین مشدد): کلمه عربی و جمع "فاسق"، که اسم فاعل از "فسق" است.

<sup>۳</sup> - این غزل را کاتب در نسخه اصل به ردیف الفباء در جای دیگری درج نموده است و ما آن را در جای معین و اصل آن آوردیم.